

بررسی تطبیقی نقش خدای متعال در عالم تکوین، بر اساس دیدگاه فلسفی و ادله نقلی

محمد پارچه باف دولتی^[1] *

سعید رحیمیان^[2] **

چکیده: نظام علت فلسفی، در حد «نیاز پدیده به پدیدآورنده» متوقف نشده، و بر لزوم ضرورت علی- معلولی و نیز تعلق هر معلول خاص به علت معین تأکید و اصرار دارد. لذا نظامی ثابت و غیر قابل تغییر و تبدیل، برای کل عالم هستی رقم زده است. این نظام، از علت العلل شروع شده و تا پایین‌ترین مراتب هستی، ادامه می‌یابد. در این دیدگاه، گمان می‌شود که تغییر در عالم، بنابر دلیل عقلی محال است، بدین روی این امر را حتی از تاجیه خدای متعال نیز ممتنع دانسته‌اند. در عین حال تصور می‌شود که به قادریّت خداوند نیز خللی وارد نمی‌شود، چون قدرت، بر امور محال تعلق نمی‌گیرد.

به همین ترتیب، دیدگاه خاصی در خصوص معنی صحیح عدالت خداوند متعال طرح شده است که کاملاً با مبانی فوق‌الذکر ارتباط دارد. مقاله حاضر، می‌کوشد این نظریه را تبیین کرده و نسبت آن با آیات و روایات، را بسنجد.

کلیدواژه‌ها: علت فلسفی، لایتغیر، نظام قطعی، عدل الهی، افاضه کمال، ظرفیت ذاتی موجودات.

تغییرناپذیری نظام عالم، بر مبنای علت فلسفی

وقتی از درجه علت فلسفی و لوازم آن، به پدیده‌های عالم بنگریم، همه اجزای تشکیل دهنده عالم را لایتغیر و لایتخلف می‌بینیم. اگر قرار است هر علت فقط یک معلول خاص داشته باشد که با وجود علتش، وجوباً بوجود شود، جایی برای حالت جایگزین نمانده و هر چیزی در عالم، جز این که هست، نمی‌تواند باشد. چرا که هر علت، خود، معلول یک علت دیگر است و این سلسله پیش می‌رود تا به واجب الوجود برسد.

از طرف دیگر، واجب الوجود بی‌سبب است و تغییری در او راه ندارد، لذا معلولش یک پدیده خاص است. نظام قطعی و لایتخلف عالم از علت العلل شروع شده و تا آخرین مراحل وجود ادامه می‌یابد. به همین ترتیب، آنچه تا کنون تحقق نیافته و در آینده روی می‌دهد نیز، محکوم به همین تعین جبری و عدم امکان تبدیل است. پس با تگانه به سلسله علل، نظام عالم قطعی است و همه اجزایش، ثابت و لایتخلف است. صدرالمآلهین در مورد لایتغیر بودن نظام عالم گوید:

... فکل ما فی عالم الامکان، حادث علی ترة بواجب و حقّ لازم، لا یُتَصَوَّرُ انْ لا کون کما کون و علی الوجه الذی کون. (صدر، مجموعه الرسائل المسماة، ص: 201)

استاد مطهری نیز با استفاده از مبانی علیت، نظام عالم را مبین و ضروری معرفی می‌کنند. ایشان معتقدند که بِن همه حوادث، ضرورت حکمفرماست و اصولی که اِن ؛ وستگی ضروری و عمومی بر آن تکیه دارد، به ترتیب زیر است:

1. قانون علت و معلول عمومی: این همان قانون پا 4 و بدیهی است که همه علوم به آن انکاء دارند و انکار آن، مستلزم انکار همه چ ز و غرق شدن در غرقاب سفسطایی‌گویی است.

2. ضرورت علت و معلول: این اصل می‌گوید که هر معلول، وقتی پدید می‌آید که نه تنها علت او موجود باشد، بلکه از تا 4 وجود علت، ضرورت یافته باشد. مادامی که وجود ک معلول از تا 4 علت خود ضروری نگردد، محال است که آن معلول به وجود آید، و بالعکس، وقتی که علت تا 4 ک شاء، محقق شد، وجود معلول را ا اجاب می‌کند، و در ا ن صورت موجود شدن معلول محال است. از ا ن اصل تا چه می‌شود که هر چ زی که موجود شده، وجودش ضرورت داشته است و هر چ زی که موجود نشده، عدمش ضرورت داشته است.

3. سختی‌ت علت و معلول: اصل سوم، ارتباط مشخص علت و معلول را تضمین می‌کند و نه جبه می‌دهد که ه چ علتی نمی‌تواند به جایی معلول خودش، معلول دیگری را پدید آورد، و ه چ معلولی ؛ ز ممکن ؛ ست از ؛ ر علت خود پدید آید.

4. جهان هستی، همه به ک علت العلل منتهی می‌شود. (توحید مبدأ)

از نظر ایشان، از سه اصل اول تا جبه می‌شود که جهان نظامی قاطع و ؛ ر قابل تبدیل دارد؛ و با ضمه شدن اصل چهارم، ارتباط و ؛ وستگی قاطع و عمومی ؛ ن همه حوادث جهان استنباط می‌گردد. (مطهری، مجموعه آثار، ج 1، ص 134)

پس روشن شد که بر مبنای علیت فلسفی، نظام عالم، غیر قابل تبدیل و تغییر است. حال این سؤال مطرح می‌شود که نقش خدای متعال و فاعلیت اختیاری‌اش در عالم چگونه است و آیا خدای متعال، می‌تواند تغییری ایجاد کند یا نه؟ اینکه به چه مخلوقی چه نعمتایی بدهد، یا اینکه کمالات اعطا شده به موجودی را کم و زیاد کند، ممکن است یا نه؟ در ادامه، این مطلب را از منظر فلسفی با رویکرد تطبیق با ادله نقلی بررسی می‌کنیم.

مقایسه نقش خداوند در نظام عالم؛ بر مبنای فلسفی و بر مبنای آیات و روایات

از منظر ادله نقلی و بر اساس آیات و روایات، هیچ محدودیتی برای خدای متعال، در اعطا یا امساک نعمتها و کمالات و مقدار آن وجود ندارد. در قرآن می‌فرماید:

لَنْ يَمُوتَ ۚ اِنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَالْاَنْۢبِيَآءَ لَمِنْۢ مَّا رَزَقْنٰهُ ۗ وَ لَا يَمُوتُ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ (شوری، 12)

هیچ نظام غیر قابل تبدیلی وجود ندارد، که خلقت خدای خداوند را محدود کند یا مسیر ویژه‌ای برای آن تعیین نماید. لذا حقیقتاً خداوند می‌تواند برخی مخلوقات را از میان ببرد و دیگران را جایگزین آنان سازد. از نظر قرآن و روایات، این کار برای خدای متعال ممکن

است و امتناعی ندارد. دست خداوند، حقیقتاً باز است ؛ و بر تمام عالم و وجود او، قرآن گواهی می‌دهد که خداوند روی گرایش ؛ نمی‌جواب پس نمی‌دهد. ؛ و در تمام عالم و وجود او، قرآن گواهی می‌دهد که خداوند روی گرایش ؛ نمی‌جواب پس نمی‌دهد. ؛ و در تمام عالم و وجود او، قرآن گواهی می‌دهد که خداوند روی گرایش ؛ نمی‌جواب پس نمی‌دهد.

